

نظریه های روان کاوی [psychoanalysis]

علل جذابیت نظریه ی فروید: 1- موضوعات میل جنسی و پرخاشگری 2- گسترش نظریه ی فروید توسط طرفداران باوفای فروید به مناطق مختلف جهان 3- زبان ماهرانه ی فروید. فروید معتقد بود که نظریه بعد از مشاهده شکل می گیرد روش او استدلال استنتاجی (قیاسی) بود و مشاهدات او به صورت ذهنی و روی نمونه ی کوچکی از بیماران که از طبقه ی حرفه و متوسط بالا بودند می گرفت. روش منحصر به فرد فروید مورد پژوهشی [case study] بود.

فروید فن هیپنویزم برای درمان هیستری [Hysteria] را از شارگو فرانسوی آموخت. هیستری = فلج یا عملکرد نامناسب برخی اندامهای بدن بدون مشکل جسمی که فروید بعداً متقاعد شد که علت روان زاد و جنسی دارد. فروید پالایش روانی [catharsis] از بروئر آموخت فرایندی که نشانه های هیستری را از طریق حل و فصل کردن آن ها برطرف می شود. فروید بعداً تداعی آزاد [free association] را کشف کرد. بعد از انتشار کتاب مطالعاتی درباره ی هیستری فروید و بروئر به خاطر اختلافات حرفه ای جدا شدند. پیامد خودکاری فروید تعبیر رویای فروید بود.

از جمله ی آثار فروید: درباره ی رویاها (1901/1953) که علت نوشتن آن این بود که تغییر رویا نتوانسته بود. علاقه ی او را به خود جلب کند آسیب شناسی زندگی روزمره (1901/1960) که دنیا را به لغزش های فرویدی آشنا کرد 3 رساله ی درباره ی نظریه ی میل جنسی (1905/1953) که میل جنسی را به صورت موضوع مهم روان کاوی در آورد. بلوک ها و رابطه ی آن با ناهشیار (1905/1960) که معتقد بود جوک ها مانند رویاها و لغزش های فرویدی - معنی ناهشیار دارند. این کتاب ها به مشهور شدن فروید در محافل علمی و دانشگاهی کمک کرد.

فروید در سال 1902 با پزشکان وینی انجمن روان شناسان چهارشنبه را تشکیل داد که در سال 1906 نام آن به انجمن روان کاوی وین تبدیل شد. فروید در طول جنگ جهانی اول خیلی سختی کشید بعد از جنگ تجدید نظرهای مهمی کرد که این موارد این ها بودند 1- بالا بردن غریزه مرگ و رساندن آن به سطح غریزه ی زندگی منظور کردن سرکوبی به عنوان یکی از دفاعهای خود و روشن مردن عقده ی ادیپ زنانه. مهم ترین خدمت فروید به نظریه شخصیت کاوش ناهشیار تأکید بر اینکه افراد اکثراً توسط نیروهای غریزه ای برانگیخته می شوند که کمتر به آگاهی دارند و یا اصلاً آگاهی ندارند.

فروید سطح هشیار - ناهشیار را مشخص کرد.

هشیار = conscious ناهشیار un conscious نیمه هشیار pre conscious

علت روان رنجوری ها: اغفال شدن کودک توسط واحد است فروید این کشف را به کشف سرچشمه ی رود نیل تقسیم کرد.

فروید برای تجویه عقده ای اودیپ و اضطراب افتگی از مفهوم موهبت نوع پیدایش استفاده کرده.

ناهشیار تمام و کمال

ناهشیار در روان شناسی فروید 3 سطح زندگی روانی برای مشخص کردن فرایند و مکان به کار می رود.

نیمه هشیار

ناهشیار دربرگیرنده ی تمام سایتها، امیال یا غرایز است که خارج از آگاهی ما هستند. ولی اغلب کلمات احساس ها و اعمال ما را برمی انگیزاند، اغلب فرایندها ذهنی ما ناهشیار است.

فروید اثبات ناهشیار را از طریق غیرمستقیم می دانست از نظر فروید ناهشیار توجهی است برای معنی نهفته در لغزش های زبانی - رویاها - نشانه های روان رنجوری و برخی فراموشیها که سرکوبی [repression] نامیده

می شود. رویاها ← منبع غنی برای مواد ناهشیار

فرایندهای ناهشیار زمانی می تواند وارد ناهشیاری می شود که از چنگ سانسورها رها شود. سانسورچی اولیه: رویاها به قدر کافی نتیجه هشیار شکل پیدا می کنند و خاطرات اضطراب آور تغییر شکل می یابد. و راهروی بین ناهشیار و نیمه هشیار است. سانسورچی نهایی: راهرویی بین نیمه هشیار و هشیار است و خاطرات اضطراب آور به صورت خاطرات خوشایندی تغییر شکل می یابند و تهدید کننده نیستند.

در اغلب موارد این تصورات درون مایه های جنس و پرخاشگرانه دارند که در کودکی سرکوب و به ناهشیار رانده شده اند. بخشی از فرایندهای ناهشیارمان از نیاکانمان سرچشمه می گیرد که فروید آن را موهبت نوع

پیدایشی نامید (phylogenetic endowment)

مفهوم نوع پیدایش فروید شبیه ناهشیار جمعی یونگ است. ذهن ناهشیار یک نفر با دامن ناهشیار نفر دیگر می تواند رابطه برقرار کنند بدون آنکه آن دو فرد از این فرایند آگاه باشند.

ادراک هشیار

نیمه هشیار

ناهشیار

سطح نیمه هشیار: تمام عناصری است که هشیار نیستند اما با تلاش به راحتی می توانند به هشیاری بیابند. هشیاری: نقش کم اهمیتی در روان کاوی دارد و ان دسته از عناصر است که هر لحظه آگاهی داریم. و تنها سطح روانی است که در دسترس ماست.

تصورات از دو مسیر به هشیاری می رسند. 1- از طریق هشیار ادراکی perceptual conscious یعنی از طریق اندام های حسی ها که اگر تهدید کننده نباشند وارد هشیاری می شوند.

2- دومین منبع عناصر هشیار از درون ساختار ذهن و تصورات تغییر یافته ناشی از ناهشیار و تصورات ناشی از نیمه هشیار که تهدید کننده نیستند شامل می شود.

ناهشیار

خوزه های عمل ذهن نیمه هشیار
هشیار

Id

مدل ساختاری ego

Super ego

مدل ذهن فروید برای مدت 20 سال مدل مکان نگادی بود. بعداً فروید مدل ساختاری غیرسنجشی معرفی کرد. از نظر فروید بدوی ترین بخش ذهن das Es با it که در زبان انگلیسی id (نهاد) ترجمه شده مفهوم: موهبت نوع پیدایشی فروید و ناهشیار جهی یونگ ← آمادگی موروثی هستند.

در حین بخش das Ich یا I (ego) خود است سومین بخش das-uber Ich یا super ego خود عناصر هشیار - نیمه هشیار و ناهشیار دارد - فراخود - ناهشیار و نیمه هشیار - نهاد - کاملاً ناهشیار است.

نهاد [id] قسمت ناهشیار که با واقعیت تماس ندارد و تلاش می کند که با ارضا غرایز از تنش بکاهد.

تنها و طبق هی نماد لذت جویی است که به اصل لذت [pleasure principle] خدمت می کند. نوزاد را می توان مظهر نهاد در نظر گرفت - نهاد غیرمنطقی است.

نهاد: 1- لذت جو 2- غیرمنطقی 3- فقدان اخلاقیات در مجموع نهاد بدهی بی نظم دست نیافتنی برای هشیاری تغییرناپذیر - غیراخلاقی - غیرمنطقی - سازمان نیافته و سرشار از انرژی ای است که آن را از غرایز دریافت می کند. نهاد به عنوان مخزن غرایز از طریق فرایند نخستین [primary process] عمل می کند.

چون نهاد به دنبال اصل لذت است بقای آن به رشد فرایند ثانوی بستگی دارد [secondary process] تا آن را با دنیای بیرونی مرتبط کند. فرایند ثانوی توسط خود عمل می کند.

خود [ego]: تا واقعیت تماس دارد خود در مدت نوباگی از نهاد بوجود می آید و تحت تأثیر اصل واقعیت [reality principle] است. خود تصمیم گیرنده و مجری شخصیت است. خود همیشه تلاش می کند بین خواسته های نهاد و فراخود تعادل ایجاد کند. همچنین باید به دنیای بیرونی هم جواب بدهد. زمانی که خود توسط این نیرو مورد محاصره قرار می گیرند مضطرب می شود و برای دفاع از خودش از مکانیزمهای دفاعی استفاده می کند.

به عقیده ی فروید وقتی که کودک یاد می گیرد خودش را از دنیای بیرون تشخیص دهد خود از نهاد متمایز می شود. زمانی که فرد آرامش روانی کاملی دارد در واقع در این حالت خود کنترل کامل نهاد را بدست دارد.

کودکان در 5 یا 6 سالگی با والدین خود همانند سازی [identification] می کنند.

فراخود [super ego] جنبه ی آرمانی شخصیت است که با اصل لذت نهاد و اصل واقعیت خود مغایر است فراخود از خود بوجود می آید و با دنیای بیرون تماس ندارد و به صورت نامعقول تقاضای کمال دارد.

فراخو و زیر سیستم دارد 1- وجدان [conscience] 2- خودآرمانی [ego-ideal] وجدان ابتدایی ← ترس کودک از خاطر از دست دادن محبت و تأیید والدین از عیارهای آن ها بوجود می آید. فرا خودی که خوب رشد کرده از طریق سرکوب کردن، تکانه های جنسی و پرخاشگری را کنترل می کند در صورتی که خود نتواند از معیارهای فراخود را برآورد کند. احساس حقارت بوجود می آید. بنابراین گناه حاصل وجدان است در حالی که احساس حقارت بوجود می آید. تمثیل خود و نهاد تمثیل سوار بر اسب است. خود از خودش انرژی ندارد بلکه از نهاد می گیرد. نهاد ضد اخلاقی نیست بلکه غیراخلاقی است. تداعی نهاد به فرایند ثانویه بستگی دارد. خود در تمام سطوح روانی عمل می کند. خود بین نهاد و فراخود و دنیای بیرونی تعادل برقرار می کند. تمایز خود از دنیای بیرونی ← زمان تشکیل خود است. فردی که از لحاظ روانی سالم است تحت تأثیر خود است.

انگیزش پویش ها شخصیت

به عقیده ی فروید افراد برای کسب لذت و کاهش دادن تنش و اضطراب برانگیخته می شوند. این انگیزش حاصل انرژی غرایز است.

سایق یا محرک = **Trieb** که غریزه ترحم شده سایق - تکانه - غریزه = **Instinet** غریزه ← سایق یا محرک درونی که به صورت انگیزش عمل می کند و نمی توان مانند محرک بیرونی از آن فرار کرد. 2 سایق اساسی از دید فروید: 1- غریزه ی زندگی [life instinct] که معمولاً اروس [Eros] یا میل جنسی نامیده می شود و غریزه ی خوب (death instinct) که گاهی به عنوان ویرانگری پرخاشگری از آن یاد می شود و غرایز از نهاد سرچشمه می گیرند اما به کنترل خود در می آیند.

نیروی که غریزه ی زندگی یا میل جنسی طبق آن عمل می کند لیبیدو (**Libido**) نام دارد. هر غریزه با نیروی محرک، منبع و هدف و شی مشخص می شود.

نیروی محرک غریزه ← مقدار نیرویی است که غریزه به کار می برد.

منبع غریزه: ناحیه ی بدن در حالت تنش و برانگیختگی است. تنش → **tension**

هدف غریزه: جست و جوی لذت یا برطرف کردن این برانگیختگی به کاهش دادن تنش است.

شی غریزه: شخص یا چیزی است که نقش وسیله ای را بر عهده دارد که هدف از طریق آن برآورده می شود. به عقیده فروید **libido** کل بدن را بر می گیرد.

علاوه بر اندام های تناسلی. دهان و مقعد می تواند از لذت جنسی تولید کند که این ها مناطق شهوت زا نامیده می شود. (erogenous). غریزه ی جنسی می تواند شکل های گوناگون بگیرد که خودشیفتگی ه عشق سادیسم و مازوخیسم از جمله ی آن ها هستند. سادیسم و مازوخیسم از غریزه ی مرگ هم برخوردارند. خودشیفتگی (narcissism) نوباوگان عمدتاً خودمحور هستند به طوری که لیبودی آن ها تقریباً به طور انحصاری حرف خود (ego) آن ها می شود. این حالت که همگانی است خودشیفتگی نخستین (primary narcissism) نام دارد لیبودی که صرف خود می شود لیبودی که حرف دیگران 9 شی می شود خودشیفتگی ثانویه [secondary narcissism] می گویند. این خودشیفتگی همگانی نیست. هنگام بلوغ نوجوانان لیبودی خویش را به خود (Ego) بر می گردانند و به تمایلات و دل مشغولی ها دل مشغول می شوند. خودشیفتگی در همه شایع است.

Pneumatic –auriferous

عشق: جلوه ی دیگر اروس (غریزه ی زندگی) عشق است و زمانی پرورش می یابد که افراد لیبودی خود را در شی 6 فردی غیر از خودشان صرف کند. اولین تمایل جنسی کودکان متوجه کسی است که از مراقبت می کند که معمولاً مادر است. هنگام نوباوگی کودکان هر دو جنس نسبت به ماد عشق جنسی می کنند. اما این عشق توسط اعضای خانواده سرکوب می شود و نوع دوم عشق را بوجود می آورد که فروید آن را هدف منع شده یا aim- inhibited نامید. زیرا هدف اصلی کاهش تنش جنسی، منع یا سرکوب شده است. عشق نسبت به والدین و خواهر- برادر نوع عشق منع شده است.

← Sadism عبارت است از نیاز به لذت جنسی از طریق زجر دادن یا تحقیر کردن دیگری. سادیسم زمانی انحراف محسوب می شود که هدف جنسی لذت شهوانی نسبت به هدف ویرانگری درد در جمله ی دوم اهمیت باشد.

← Masochism مانند سادیسم نیاز معمولی است. ما زوخیست ها از زجر کشیدن یا تحقیر شدن توسط خودشان و دیگران لذت کسب می کنند و برای ارضای نیازهای خود به دیگران وابسته نیستند. سادیسم و مازوخیسم شالوده های نظریه ی دو غریزه ای هستند.

«همسایه ات مانند خودت دوست بدار» ← واکنش های وارونه هستند.

غرایز در هسته ی مرکزی نظریه ی پویش فروید با مفهوم اضطراب سهیم اند.

و به فرد در مورد دید فروید: حالت عاطفی و ناخوشایندی که با احساس جسمانی همراه است و به فرد در مورد خطر قریب الوقوع هشدار می دهد. معمولاً مبهم اما همیشه اضطراب می شود.

فقط خود می تواند اضطراب را بوجود آورد یا آن را اجساس می کند. اما در نهاد - فرخود و دنیای بیرونی هم در یکی از 3 نوع اضطراب دخیل اند. وابستگی خود به نهاد موجب اضطراب روان رنجور می شود.

وابستگی خود به فراخود اضطراب اخلاقی (moral anxiety) را به وجود می آورد. (neurotic anxiety) و وابستگی خود به دنیای بیرونی اضطراب واقعی را بوجود می آورد. (Realistic anxiety)

(neurotic anxiety): از خطر نامعلوم و ناهشیار و تکانه های نهاد سرچشمه می گیرد.

(moral realistic) ← از تعارض بین خود و فراخود ناشی می شود در 6 یا 5 سالگی افراد خود تشکیل می شود. پیامد تعارض بین نیازهای معقولان و دستورات فراخودمان دچار اضطراب می شویم.

(realistic anxiety) ← اضطراب عینی (object anxiety) ← معروف است تقریباً به ترس (fear) شباهت دارد.

فروید در سال 1962 (defense mechanism) را ابداع کرد و بعداً آنرا این را اصلاح و سازمان دهی کرد. اگر زیاد و به صورت افراطی از مکانیسم های دفاعی استفاده کنیم به رفتار وسواسی مکرر و روان رنجوری می انجامد. در واقع هنگام استفاده از مکانیسم دفاعی انرژی صرف می شود خود است که این تکانه ها را بوجود می آورد. مکانیسم های اصلی: 1- repression -2 undoing (عمل زدایی) (isolation) جداسازی reaction formation ← واکنش واروانه - جابه جایی displacement - regression - fixation - واپس روی - projection - فرافکنی - introjections درون فکنی - والایش sublimation

سرکوبی repression ← اساسی ترین مکانیسم دفاعی زیرا در سایر مکانیسم ها دخالت دارد. وقتی خود با تکانه های ناخوشایند نهاد رو به رو می شود آن را سرکوب و به ناهشیار می راند. برای این تکانه های ناهشیار می تواند چند احتمال بیفتند 1- بین تکانه ها می توانند بدون تغییر بمانند 2- می توانند بدون تغییر برای راه یافتن به هشیاری فشار آوردند 3- سومین و رایج ترین راه این است که به صورت جا به جا شده و مبدل می شوند. سابق های جنسی می توانند در رویاها- لغزش های زبانی و سایر مکانیسم های دفاعی راه خروجی پیدا می کنند.

Undoing ← خود می کوشد که تجربیات ناخوشایند و لیامدهای آن ها را نادیده بگیرد. افکار تهدید کننده را عمل زدایی مانند نیروهای جاودیی منفی است و از طریق اعمال وسواسی و رفتارهای تشریفاتی پاک می کند نمونه ای عمل زدایی کلاسیک در روایت شکسپیر از لیدی مکتب است که برای شستن گناه قبل پادشاه دستانش را به هم می مالید.

Isolation ← جداسازی به افکار وسواسی و مکرر به جای افکاری که به ناخوشایند است می انجامد

جداسازی معمولاً با تحریم لمس کردن همراه است فرد مثلاً از تماس بدنی برخوردار- از دست دادن خودداری می کند.

← **Reaction formation** ← که تکانه های ناخوشایند ظاهری مبدل می گیرد (نفرت از مادر ← محبت به آن نمی توانند تعمیم دهند)

← **dis placement** ← افراد می توانند تکانه های نامعقول خود را به سمت اشیاء یا هد دیگر ← فروید جابه جایی را برای اشاره به جایگزین شدن یک شانه ی روان رنجور به نشانه ی دیگر نیز به کار برد.

← **Fixation** ← دل بستگی لیبیدو به مرحله ی رشد قبلی ابتدایی تر است خاص را حمل کند به مرحله ی قلبی تر می شود. مثلاً فردی که سیگار می کشد ممکن است در مرحله ی دهانی تثبیت شده باشد.

← **Regression** ← اگر خود نتواند اضطراب مرحله ی بعد را تحمل کند به مرحله ی قبلی تر رشد واپس می رود که در کودکان شایع است.

مکانیزم های دفاعی

ابداع فروید اصلاح آنا فروید- بهنجار هستند در صورت افراط **Abnormal** محسوب می شوند. مکانیزم دفاعی ابزار خود است در برابر اضطراب.

Repression: اساسی ترین مکانیزم دفاعی در سایر مکانیزم های دخالت دارد - احساس های تهدید کننده را به ناهشیاری می راند. و بعد از ناهشیار شدن چند احتمال رخ می دهد.

1- تکانه ها می توانند بدون تغییر در ناهشیار بمانند.

2- به صورت تغییر نیافته برای وارد شدن به هشیاری فشار وارد می کنند که موجب اضطراب می شود.

3- رایج ترین اش این است که جا به جا مبدل می شوند. که فرد در رویاها- لغزش های زبانی یا سایر مکانیزم دفاعی خود را بروز می دهد.

:Undoing- isolation

Undoing: نادیده گرفتن تجربیات ناخوشایند و پیامدهای آن - مانند نیروی جاودی منفی است که افکار و رویدادهای ناخوشایند را از طریق رفتارهای تشریفاتی و وسواسی پاک می کند. نمونه ی از عمل زدایی در روایت شکسپیر در لیدی مکبث می توان یافت.

جداسازی: برای جلوگیری از عاطفه ی منفی از افکار وسواسی استفاده می کند. و ارتباط بین عاطفه در رویدادهای بعدی را قطع می کند.

عمل زدایی ← اعمال و رفتارهای وسواسی جداسازی ← افکار وسواسی مکرر

Reaction formation: ظاهر مبدلی گرفتن تکانه های سرکوب شده به یک موضوع مربوط است.

← نفرت ← محبت (مبالغه آمیز و غیر واقعی)

Displacement: تعمیم امیال نامعقول به سمت اشخاص یا اشیای گوناگون دیگر در این مکانیزم ها برخلاف واکنش وارونه مبالغه وجود ندارد.

جابه جایی در تشکیل رویا نیز نقش دارد. و به جایگزینی شدن یک نشانه ی روانجور، نشانه ی دیگر هم به کار می رود.

Fixation: دلبستگی لیبدو به مرحله ی قبلی رشد در زمان اضطراب خوردن یا سیگار کشیدن - یا لذت از صحبت کردن ← تثبیت دهانی

Regression

در کودکان شایع است برگشتن به مرحله ی پیشین در مواقع استرس و اضطراب - وضعیت جنینی گرفتن در مواقع استرس - دعوی زن و شوهر و رفتن زن به خانه والدینش - ماندن تمام روز در رختخواب - واپس روی موقتی است. اما تثبیت به انرژی دائمی نیاز دارد.

Projection: نسبت دادن تکانه های نامعقول به موضوع بیرونی

نوع شدید فرافکنی پارانوئید است که با هدیان های گزند و آسیب شخص می شود. فروید می گوید که پارانو ها همیشه با احساس های همجنس گرایانه ی سرکوب شده نسبت به آزاد دهنده شخص می شود. و این آزاد دهنده دو دست سابق همجنس است.

Introjection

ادغام ویژگی های مثبت دیگران در خود (ego) - حل شدن عقده ی اودیپ که به شکل گیری فراخود کمک می کند.

Sublimation: سرکوبی هدف تناسلی Eros به وسیله ی جایگزینی کردن هدف اجتماعی یا فرهنگی - خلاقیت - نقاشی - موسیقی - ادبیات برای جامعه و فرد مفید است.

مراحل رشد

دهانی

دوره ی کودکی مقعدی

تناسلی

4-5 سال اول دوره ی پیش تناسلی

oral stage -1

1- دهان نخستین: شامل جذب دهانی - از شیر گرفتن - تردید نسبت به شی

2- سادیسم دهانی: پیدایش دندان ها - گاز گرفتن - بستن دهان - لبخند زدن و گریه کردن - شصت مکیدن که اولین تجربه ی خودانگیزه است.

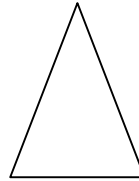
Anal phase stages

1- مقعدی نخستین: آموزش توالی رفتن

2- مقعدی پایانی: علاقه به مدفوع - جایزه مدفوع به والدین

مثلث مقعدی

نظم و ترتیب



لجباری خست

در مورد دخترها شهرت گرایی مقعدی به شکل رشک آلت مردی penis envy در مرحله ی آلتی در می آید. و با به دنیا آوردن بچه ابراز می شود:

مفهوم آلت مردی - بچه و مدفوع در رویاها نماد یکسانی هستند.

نگرش فعال ← صفات مردانه و سلطه گری و سادیم

نگرش مفعول ← صفات زنانه و تماشاگری جنسی و مازوخیم

Phallic phase

3-4- سالگی - «آنا تومی سرنوشت است»: این اظهار نظر اعتقاد فروید به این است که تفاوت های بدنی بیم مردان و زنان بسیاری از تفاوت های روان شناختی را توجیه می کند.

استمنا از مرحله ی دهانی آغاز می شود در مرحله آلتی هم وجود دارد که والدین ممانعت می کنند.

عقده ی اودیپ مردانه

میل به تصاحب مادر و داشتن رابطی جنسی با او - رقابت با پدر و زنا با محارم

در عقده ی اودیپ کامل محبت و خصومت هر دو وجود دارد.

اضطراب افتگی castration anxiety ← ترس از دست دادن آلت تناسلی . و زمانی ایجاد می شود

که خود رشد کرده باشد که ارتباط بین امیال جنسی و قطع شدن آلت مردی را درک کرده باشد. در پسرها

عقده ی افتگی بعد از عقده ی اودیپ واقع می شود.

فراخود بعد در حل عقده ی ادیپ شکل می گیرد.

عقده ای ادیپ زنانه:

به صورت رشک آلت مردی - قبیل از عقده ی اودیپ

میل به آمیزش جنسی با پدر و احساس خصومت نسبت به مادر عقده ی ادیپ زنانه یا الکترا (که فروید مخالف) بود نامیده می شود.

فراخود دختران معمولاً ضعیف تر، انعطاف پذیرتر و آسان گیرتر از فراخود پسران است که این به تاریخچه ی اودیپی بر می گردد.

دختر ← همانند سازی با مادر ← همانند سازی با پدر ← همانند سازی با مادر ←

پسر ← خصومت با پدر نظم و ترتیب همانند سازی با پدر

انرژی روانی کمتر مصرف می شود.

دوره ی نهفتگی

6-7 سالگی تا بلوغ- از تلاش والدین برای تنبیه یا متع کردن فعالیت جنسی بوجود می آید.

ممنوعیت فعالیت جنسی که بخشی از موهبت نوع پیدایش ماست و لزومی ندارد که فعالیت جنسی تنبیه شود تا سابق جنسی را سرکوب کند.

لیبدو در این مرحله در دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی جلوه گر می شود.

دوره ی تناسلی genital period

لیبدو به سمت دیگری است- امکان تولید مثل- واژن همان جایگاهی را کسب می کند که آلت مردی کسب کرده بود- غریزه جنسی سازمان می یابد.

پختگی maturation

پختگی روانی: ساختارهای ذهنی متعادل- خودبزرگتر و کنترل کننده - توجه درخواست های معقول- تکانه های صادقانه و هشیارانه- بدون شرم و گناه- فراتر رفتن از همانند سازی با والدین - عدم وجود تعارض زنا با محارم - همخوانی خودآرمانی با خود واقعی - استفاده از مکانیزم دفاعی والایش روش درمانی پیشین فروید:

روش تلقینی که در آن بیماران به اغفال در کودکی اعتراف می کردند.

فروید متقاعد شده که نشانه های روان رنجوری به جای موضوعات واقعی به خیالپردازی های کودکی ربط دارند و به تدریج روش منفعل تری را اختیار کرد.

روش درمانی بعدی فروید.

هدف اصل درمان روانکاوی: برملا کردن خاطرات سرکوب شده از طریق تداعی آزاد و تخیل رویا- تبدیل کردن ناهشیار به هشیار

هدف free association ← دستیابی به ناهشیار

مثبت ← تهدید کننده و بیماری کمک خاطرات خود را از خاطر بگذارند

منفی ← احساس خصومت به درمانگر

درمان روانکاوی بر: فوبی ها- وسواس و هیستری مؤثر بر روانپزشکی ها اثر ندارد.

هدف تحلیل رویا: تبدیل کردن محتوای آشکار به محتوای نهفته

محتوای آشکار: معنای سطحی یا توصیفی

محتوای نهفته: مواد ناهشیار

همه رویاها ارضای میل هستند (فروید) به صورت ناهشیار و از طریق محتوای نهفته ابراز می شود. محتوای

رویاهاى PTSD ها وسواس تکرار repetition compulsions هستند.

رویاها برای آمدن به هشیار به دو روش تغییر شکل می یابند:

1- تلخیص condensation: به گسترده‌گی سطح نهفته نیست.

2- جا به جایی: تصورات دیگر که رابطه‌ی دوری با تصورات رویا هستند.

از طریق نماد صورت می گیرد.

اشیاء دراز- کشیده- ترکه- مار چاقو ← آلت تناسلی

جعبه‌ی کوچک- صندوق- تنور ← واژن

رئیس جمهور- معلم- رئیس ← والدین

تاس شدن- از دست دادن دندان- هر گونه عمل بریدن ← اضطراب افتگی

2- مهار عاطفه یا وارونه شدن عاطفه که خواب بیننده را فریب می دهد.

مثلاً فردی در خواب ببیند که پدرش مرده و نه احساس شادی می کند و نه احساس تأسف محتوای نهفته در

تعبیر خواب اهمیت دارد.

فروید تعبیر رویا را راه باشکوه برای رسیدن به ناهشیار می دانست.

اضطراب به سیستم نیمه هشیار ربط دارد. در حالی که میل به سیستم ناهشیار وابسته است.

رویاى شرمندگی از برهنه بودن

رویا مرگ فردی عزیز

انواع رویاهای اضطرابی

رویاى رد شدن در امتحان

لغزش های فرویدی

Fehlleistung یا عملکرد نادرست - جیمز استراچی اصطلاح کنش پریشی یا parapraxes را

ابداع کرد.

محصول ناهشیار و نیمه هشیار هستند.

کتاب آسیب شناسی زندگی روزمره در رابطه با لغزش های زبانی است.

پژوهش های مربوط

مکانیزم های دفاعی

جرج ویلانت

واکنش وارونه - آرمانی کردن و عمل زدایی ← روان رنجور ← کوتاه مدت خوب

فرافکنی - جداسازی - انکار - جابه جایی - تجزیه ← ناپخته و ناسازگار ← تحریف واقعیت

والایش - منع یا جلوگیری - شوخی ایثار ← پخته و سازگار ← دراز مدت خوب

تبدیل لیموها به لیموناد ← والایش

منع یا جلوگیری: تلاش نافع و هشیار در جهت دور کردن افکار یا احساس آزارنده (من اصلاً نمی خواهم به آن فکر کنم).

ایثار یا نوع دوستی: لذت بردن از دادن چیزی به اراد که خود آن ها را دوست دارند آن را دریافت کنند

پل گن: مکانیزم های دفاعی پخته دفاعی علیه ناامیدی و افسردگی هستند.

محافظه کاری با مکانیزم های دفاعی روان رنجور کوتاه مدت (مانند واکنش وارونه و عمل زدایی و تیپ

شخصیت متعددی (از نظم و ترتیب - خست و لجاجتی ارتباط دارد)

تثبیت دهانی

معمولاً به رفتار خصمانه و کنایه آمیز در بزرگسالی منجر می شود.

ارزیابی نظریه ی فروید:

از نظر بتلهایم، درمان روانکاوی را باید سیری معنوی به اعماق روح (که استراچی ذهن ترجمه کرده) نه تحلیل

ماشینی دستگاه ذهن در نظر گرفت.

سوال: کدام یک از مکانیزم های دفاعی زیر از نظر فروید، مکانیزم دفاعی روان رنجور

است؟ (ارشد روانشناسی بالینی 93)

الف) فرافکنی (ب) انکار (ج) والایش (د) واکنش وارونه

پاسخ گزینه ب/

سوال: در کدام یک از مراحل روانی - جنسی فروید شکل دهی شخصیت اهمیت زیادی

دارد و در تکالیف رشدی مهم، یادگیری و ابراز کردن احساسهای منفی نظیر خشم و

پرخاشگری نقش دارد؟ (ارشد روانشناسی بالینی 93)

الف) مرحله مقعدی (ب) مرحله آلتی (ج) مرحله نهفتگی (د) مرحله دهانی

پاسخ گزینه الف/

سوال: طبق دیدگاه فروید: عبارت است از معطوف کردن انرژی جنسی و پرخشگری به مجراهای دیگری که معمولاً جامعه پسند و حتی گاهی تحسین برانگیز هستند. (ارشد روانشناسی بالینی 93)

الف) جابجایی ب) جبران ج) والایش د) واکنش وارونه

پاسخ گزینه الف /

سوال: کدام یک از موارد زیر جزو ایرادهای وارده به روانکاوی نیست؟ (ارشد روانشناسی بالینی 93)

الف) دشواری در ارزیابی عینی مفاهیم ب) انتظارات نظری فروید به جای داده‌های علمی

ج) مبهم بودن مفاهیم د) محوری بودن تعارض

نکته مهم: داوطلبین محترم توجه فرمایید که با تهیه این جزوات دیگر نیاز

به خرید هیچ گونه کتاب مرجع دیگری نخواهید داشت. برای اطلاع از

نحوه دریافت جزوات کامل با شماره های زیر تماس حاصل فرمایید.

021/66902061-66902038

013/33338002 (رشت)

013/42342543 (لاهیجان)